



Principles and effects of postponing the issuance of a sentence in the Iranian legal system

Khosrow Khalili Mahdiraji¹, Kiomars Kalantari Daronkola^{2*}, Hossein Miri³

1. PhD Student, Department of Criminal Law and Criminology, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran.
2. Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Mazandaran University, Mazandaran, Iran.
3. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Gonbad Kavous Branch, Islamic Azad University, Gonbad Kavous, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 221-238

Article history:

Received: 2 Nov 2021

Edition: 6 Dec 2021

Accepted: 6 Feb 2022

Published online: 5 Mar 2022

Keywords:

Postponement, Sentence, Detention, Axis Victim

Corresponding Author:

Kiomars Kalantari Dronkola

Address:

Department of Criminal Law and Criminology, Mazandaran University, Mazandaran, Iran.

Orchid Code:

0000-0002-9624-1559

Tel:

0911112338

Email:

kalantar@nit.ac.ir

ABSTRACT

Background and Aim: The institution of postponing the issuance of verdicts is one of the effective institutions in order to reduce judicial proceedings. In the present study, an attempt has been made to address the principles and effects of the institution of postponement of sentencing in Iran.

Materials and Methods: The present study is qualitative and the method of writing the article is descriptive and analytical.

Ethical considerations: The present study is based on ethical principles.

Results: Criminal de-inflation, labeling and re-acceptance theories are the most important principles of sentencing. The protection of citizenship rights and social solidarity are among the most important social effects and consequences, and the realization of judicial security and the responsibility of the government are among the justice-oriented consequences of postponing the issuance of a sentence.

Conclusion: Postponement of sentencing due to newness requires care and legal and judicial institutions should consider various conditions and criteria, including the offender having the conditions to benefit from this institution, judicial security, extrajudicial and justice-oriented Give.

Cite this article as:

Khalili Mahdiraji Kh, Kalantari Daronkola K, Miri H. Principles and effects of postponing the issuance of a sentence in the Iranian legal system. *Economic Jurisprudence Studies* 2021-2022; Review on New Researches of Jurisprudence and Law.



مطالعات فقه اقتصادی

ویژه نامه جستارهای نوین فقه و حقوق ۱۴۰۰



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، ویژه نامه جستارهای نوین فقه و حقوق، ۱۴۰۰

مبانی و آثار تعویق صدور حکم در نظام حقوقی ایران

خسرو خلیلی مهدیرجی^۱، کیومرث کلانتری درونکلا^{۲*}، حسین میری^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

۲. استاد گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.

۳. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد گنبد کاووس، دانشگاه آزاد اسلامی، گنبد کاووس، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: نهاد تعویق صدور حکم از جمله نهادهای مؤثر در جهت کاستن از رسیدگی‌های قضایی است. در پژوهش حاضر تلاش شده است به مبانی و آثار نهاد تعویق صدور حکم در ایران پرداخته شود.

مواد و روش‌ها: مطالعه حاضر از نوع کیفی و روش نگارش مقاله نیز به صورت توصیفی و تحلیلی است.

ملاحظات اخلاقی: انجام پژوهش حاضر با مبنا قرار دادن اصول اخلاقی میسر شده است.

یافته‌ها: تورم‌زدایی کیفری، نظریات برچسب‌زنی و باز اصلاح‌پذیری از مهم‌ترین مبانی نهاد تعویق صدور حکم است. حفظ حقوق شهروندی و همبستگی اجتماعی از مهم‌ترین آثار و نتایج اجتماعی و تحقق امنیت قضایی و مسئولیت‌پذیری دولت از نتایج عدالت‌محور تعویق صدور حکم می‌باشد.

نتیجه: تعویق صدور حکم به دلیل جدید بودن، نیازمند دقت است و نهادهای حقوقی و قضایی می‌بایست شرایط و معیارهای متعددی از جمله دارا بودن فرد مجرم از شرایط بهره‌مندی از این نهاد، امنیت قضایی، قضازدایی و عدالت‌محوری را مدنظر قرار دهند.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۳۸-۲۲۱

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۱

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۰۹/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۲/۱۴

واژگان کلیدی:

تعویق، حکم، حبس‌زدایی، بزه‌دیده محوری.

نویسنده مسوول:

کیومرث کلانتری درونکلا

آدرس پستی:

ایران، مازندران، دانشگاه مازندران،

گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی.

تلفن:

۰۹۱۱۱۱۲۳۳۳۸

کد ارکید:

0000-0002-9624-1559

پست الکترونیک:

kalantar@nit.ac.ir

۱. مقدمه

برقراری عدالت قضایی هرچند در وهله اول به معنای رسیدگی به جرایم و بزه‌های اجتماعی است. اما این امکان و شرایط همواره برای نظام‌های حقوقی میسر نیست که بتوانند نسبت به همه موارد رسیدگی نموده و از ابزارهای تنبیهی و سرکوب‌گرایانه نظیر زندان بهره ببرند. به همین دلیل و با توجه به هزینه‌های قضایی، هزینه‌های بالای نگهداری از زندانیان، جلوگیری از تنش و شکاف اجتماعی، کاهش هزینه‌های دادرسی برای افراد و کاستن از بار نظام قضایی، سازوکارهایی در نظر گرفته شده است که دادگاه‌ها بتوانند از مسیرهای دیگری نسبت به بهبود شرایط موجود اقدام نمایند. روال رسیدگی به پرونده‌ها بدین صورت است که پس از اقامه دعوا، دادگاه یا حکم به برائت افراد می‌دهد و یا اینکه برحسب جرم و بزه صورت گرفته، نسبت به تعیین مجازات و محکوم کردن یکی اقدام می‌کند. در مرحله اجرای رأی نظیر شرایطی دیده شده است که برای برخی از جرایم در نظر گرفته می‌شود. از جمله اینکه حتی برای کسانی که به زندان محکوم می‌شوند، حکم به تحمل حبس داده شود و یا اینکه زمینه آزادی وی را با پذیرش شرایطی از سوی محکوم اعلام نمایند. به عبارت دیگر، دادگاه نوعی آزادی مشروط را می‌پذیرد (نوربها، ۱۳۹۶، ۴۴۰). اما رویکرد موجود در زمینه اجرای احکام قضایی از جمله در ماده ۴۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری به ما یادآور می‌شود که احکام جزایی قضایی می‌بایست بی‌درنگ به اجرا گذاشته شوند. بدین ترتیب تأکید

بر اجرای قوانین و انجام به موقع احکام جزایی است.

اما در شرایطی ممکن است حکم تعیین شده به موجب قانون به تعویق بیفتد و شرایطی در نظر گرفته شود که قبل از اجرای آن حکم، صدور محکومیت معلق شده و یا حتی در اثنای اجرای آن، وقفه‌ای ایجاد شود. این وقفه نه از حیث بخشش و گذشت از جرم صورت گرفته، بلکه راهی برای اصلاح مجرمان و تلاش برای کاستن از هزینه‌های اجرای حکم از جمله زندان زدایی و یا جلوگیری از برچسب‌زنی به مجرمان دنبال می‌شود. این رویه در نظام‌های قضایی با عنوان تعویق صدور حکم از آن یاد می‌شود و در زمینه اجرای احکام جزایی ممکن است پس از مدتی، این حکم منقطع گردد (اردبیلی، ۱۳۹۳، ۲۰۳). تعویق حکم امری مشروط و منوط به رفتارهای مجرم در دوران پس از صدور حکم است و از این جهت پذیرش شرایط دادگاه برای تعویق صدور حکم نیز حائز اهمیت است.

با در نظر گرفتن اهمیت کاستن از هزینه‌های دادرسی، می‌توان گفت از مهم‌ترین دغدغه‌های نظام عدالت کیفری، پیشگیری از وقوع جرم یا کاهش وقوع آن است. به منظور رسیدن به این هدف، تدابیر و اقدامات متعدد و متنوعی از سوی نظام عدالت کیفری صورت گرفته است. در مقابل مدافعان تعیین و اجرای کیفر که قائل به اجرای احکام دادگاه‌های کیفری می‌باشند، طرفداران فردی ساختن کیفر با ملاحظه خصوصیات فردی و اجتماعی مرتکب جرم و تعیین مجازات متناسب با

شرایط وی، درصدد اصلاح و درمان مرتکب جرم به خصوص بزهکاران فاقد پیشینه کیفری می‌باشند. نهاد تعویق صدور حکم با اقتباس از نظام‌های حقوقی دیگر به خصوص فرانسه به نظام حقوقی ایران راه یافته است. مدافعان این رویکرد که تحت تأثیر داده‌های جرم‌شناختی قرار داشتند، بیش از همه بر باز اصلاح‌پذیری مجرمان و بزهکاران و کاهش آمار جنایی تأکید می‌کنند. این نهاد در اصل برگرفته از نظام حقوقی کامن‌لا بوده است و از آنجا به قوانین فرانسه وارد شد و سایر نظام‌های حقوقی نیز درصدد بهره‌گیری از آن برآمدند. به طور مثال در ایران نیز قانون‌گذار با بهره‌گیری از قانون مجازات فرانسه، استفاده از این نهاد را در نظام کیفری مورد توجه قرار داد. در قوانین داخلی ایران نیز همسو با نهاد تعویق صدور حکم به دنبال کیفرزدایی، اصلاح و درمان و بازاجتماعی کردن مجرمان از رهگذر عدم برچسب‌زنی مجرمانه هستند، اما شرایط و ترتیباتی که در زمان صدور و اجرای آن پیش‌بینی شده، دارای تفاوت‌هایی با یکدیگر است (منصورآبادی، ۱۳۹۹، ۴۰۱). با این حال، با توجه به مشکلات متعددی که در نگهداری از زندانیان دیده می‌شود و همچنین ایجاد سازوکاری برای جلوگیری از برچسب‌زنی به مجرمان و پیامدهای سوء آن، نهاد تعویق صدور حکم محل توجه شده است.

با در نظر گرفتن اهمیت نهاد تعویق صدور حکم، پژوهش حاضر این سؤال را طرح می‌کند که نهاد تعویق صدور حکم دارای چه مزایایی است؟ فرضیه این است: نهاد تعویق صدور حکم با درک شرایط

فردی و اجتماعی بزهکاران و تلاش برای جلوگیری از برچسب‌زنی، پذیرش جرم از سوی مجرم، زندان‌زدایی و کاهش هزینه‌های دادرسی، نهادی مؤثر در نظام حقوقی است. پژوهش حاضر در صدد است تا به مبانی و آثار این نهاد حقوقی بپردازد.

۱-۱. پیشینه تحقیق

عمارتی و دیگران (۱۳۹۸) در مقاله "آثار اخلاقی نهادهای معافیت از کیفر و تعویق صدور حکم، از منظر اخلاقی"، نهاد تعویق صدور حکم را نوعی تلاش برای حمایت از اصول اخلاقی در سطح فردی، خانوادگی و اجتماعی در نظر می‌گیرند. کمک کردن به مجرمان غیرخطرناک، اصلاح رویه‌ها، جلوگیری از برچسب‌زنی از جمله پیامدهای اخلاقی نهاد تعویق صدور حکم است. در مقاله دیگری با عنوان "تعویق صدور حکم، مدخلی حداقلی؛ فردی کردن مجازات با رویکرد تطبیقی" چنین نتیجه گرفته شد که نهاد مزبور با کرامت انسانی، فردی کردن عدالت کیفری، مصلحت‌گرایی، کیفرزدایی، عدالت ترمیمی و کاستن از هزینه‌های قضایی در ارتباط است و باعث کاستن از جرایم می‌شود. در مقاله دیگری با عنوان "قانون‌گذاری جنایی در پرتو نظریه مصالح (مهندسی اجتماعی): با تأکید بر نهاد تعویق صدور حکم" که توسط زینالی و کوره‌پز (۱۳۹۷) نگارش شد. نویسندگان چنین نتیجه گرفتند که تأمین دفاع اجتماعی، اصلاح و بازسازی مجرم و بزهکار و همچنین حمایت از وی، آثار مهم نهاد تعویق صدور حکم هستند.

۲-۱. مفاهیم

۱-۲-۱. تعویق

تعویق به لحاظ واژه‌شناسی به معنای بازداشتن، پس افکندن و به عقب انداختن است (معین، ۱۳۸۲). این واژه هنگامی که با سایر اصطلاحات همراه می‌شود، به معنای به عقب افتادن فرصت برای انجام کار می‌شود. بنابراین مراد از تعویق صدور حکم در امور قضایی یعنی به تعویق انداختن حکم است که البته شرایط و معیارهای آن در قانون تشریح شده است.

۱-۲-۲. تعویق صدور حکم

درباره تعویق صدور حکم باید گفت که دادگاه پس از احراز مجرمیت متهم و اقرار وی به جرم صورت گرفته، فرد متهم را از مجازات معاف می‌کند. این معافیت در واقع تحت شرایط خاصی از جمله با لحاظ کردن شرایط فردی و اجتماعی صورت می‌گیرد. بدین ترتیب در تعویق صدور حکم، اصل اساسی آن است که مجرم باید برخی از تعهدات را بپذیرد و در عین حال به آنان عمل نماید (اردبیلی، ۱۳۹۳، ۲۰۴). مبانی نظری تعویق صدور حکم هم حقوقی و هم جرم‌شناختی می‌باشد، اما مبانی حقوقی تعویق صدور حکم بدون تردید متأثر از نظریات جرم‌شناختی بوده که بستر ایجاد و نُضج نهاد مورد اشاره در بسیاری از نظام‌های حقوقی بوده که نظام حقوقی ایران نیز مستثنی از این تأثیرگذاری نبوده است.

مقاله صادقی و کنعانی (۱۳۹۴)، با عنوان "نهاد تعویق صدور حکم کیفری در فقه اسلامی، حقوق ایران و ایالات متحده"، به تازه بودن نهاد تعویق صدور حکم اشاره کرده است و چنین نتیجه می‌گیرد که نهاد مزبور بر مبنای فردی کردن مجازات بنا شده است و امکان در نظر گرفتن شرایط بزهکار را با خود به همراه دارد. عالی‌پور و توحیدی نافع (۱۳۹۴) نیز در مقاله "تعویق صدور حکم: تأخیر در اجرای عدالت یا تغییر در اجرای عدالت"، این نهاد را نوعی معافیت قضایی در نظر می‌گیرند. در مقاله ساریخانی (۱۳۹۴) به "آثار تعویق صدور حکم مجازات در نظام‌های کیفری ایران و فرانسه" پرداخته شد و قانون صدور تعویق حکم در ایران را ملهم از قانون فرانسه در نظر گرفته است. نویسندگان از حیث تطبیقی نتیجه می‌گیرند که به دلیل جدید بودن این نهاد در ایران و نبود مطالعات تحلیلی و دقیق در این زمینه نمی‌توان قضاوت روشنی از آثار عملی این نهاد در ایران ارائه نمود. در هر یک از مقالات فوق، بررسی تعویق صدور حکم و نقشی که در عرصه فردی و اجتماعی دارد، به بحث گذاشته شد. از این جهت در پژوهش حاضر نیز به اهمیت نهاد تعویق صدور حکم پرداخته می‌شود. اما در این پژوهش تلاش شده است تا به مبانی و آثار آن از حیث فردی و اجتماعی توجه نشان داده شود تا زمینه برای بهره‌گیری از این نهاد جدید و شناسایی کاستی‌ها و ظرفیت‌های آن فراهم گردد.

۲. مواد و روش‌ها

مطالعه حاضر از نوع کیفی و روش نگارش مقاله نیز به صورت توصیفی و تحلیلی است. نویسنده از متون و منابع حقوقی معتبر بهره برده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

انجام پژوهش حاضر با مبنا قرار دادن اصول اخلاقی نگارش شده است. نویسنده از منابع معتبر و دست اول و رعایت حقوق مؤلفین نسبت به تدوین مقاله حاضر اقدام نموده است.

۴. یافته‌ها

تعویق صدور حکم نهادهی نوپا در نظام حقوقی ایران است که البته بهره‌مندی از آن نیازمند در نظر گرفتن ملاحظات و شرایط خاصی است. از جمله اینکه اصل پذیرش جرم و عمل ارتكابی از سوی متهم، اقدامی اساسی در این نهاد حقوقی است. بنابراین قانون‌گذار و احکام صادره از سوی دادگاه بر مبنای همین اصل نسبت به استفاده از آن اقدام می‌کنند. مبانی حقوقی متعددی از جمله: نظریه برجسب‌زنی، اصلاح و بازپروری مجرمان و فراهم کردن شرایط برای اصلاح مجرمان از جمله پشتوانه‌های حقوقی بهره‌گیری از تعویق صدور حکم به شمار می‌روند. آثار آن نیز در حیطه زندگی فردی و اجتماعی مجرم و بزه‌کار از جمله کاستن از مشکلات نظام قضایی (قضازدایی)، حبس‌زدایی و جلوگیری از تراکم پرونده‌های حقوقی و قضایی، اصلاح مجرم و بازگرداندن وی به دامن خانواده و صحنه اجتماع، تلاش برای پذیرش جرم از سوی

مجرم و اقرار به اشتباهات جهت جلوگیری از آن از جمله آثار و پیامدهای این نهاد حقوقی هستند که لزوم کاربست آن در نظام حقوقی ایران به دلیل افزایش حجم پرونده‌ها امری لازم است.

۵. بحث

۵-۱. مبانی حقوقی تعویق صدور حکم

تعویق صدور حکم در ابتدا در نزد قانون عدالت کیفری و در سال ۱۹۷۲ م مطرح شد که به معنای نوعی رویکرد جدید برای کاستن از مشکلات ناشی از اجرای احکام در محاکم قضایی است. بنابراین از همان ابتدای این رویه، تعویق صدور حکم، به مثابه جایگزینی برای کیفرهای خواهان آزادی نبوده است، بلکه به تصمیم دادگاه برای تعویق صدور حکم اشاره می‌کند (ویسیک، ۱۹۸۳، ۳۹۳). با گذشت زمان، سیاست‌های جایگزین حبس نیز با مشکلاتی روبرو شدند. چنانچه، شکست جایگزین‌های حبس به بحث اول در نشست‌های دولتی و دانشگاهی تبدیل شد. با وجود این، انفجار جمعیت کیفری در این دوره اوضاع را بدتر از قبل کرد. شرایط سخت‌افزاری زندان نیز در این دوره با مشکلات زیادی روبه‌رو شد؛ به‌طوری که کارکنان زندان‌ها اعتراض‌هایی را در این خصوص مطرح کردند (سیم و فیتزگارلند، ۱۹۸۲، ۱۸). با آغاز دهه ۱۹۸۰ میلادی، مشکلات زندان خود را نمایان کرد که از آن جمله می‌توان به غیرانسانی بودن زندان، مشکلات سخت‌افزاری، ناامن بودن و شکست نظام اصلاح و درمان اشاره کرد. از این‌رو می‌توان شرایط آن روزهای زندان را «بحرانی» خطاب کرد. بنابراین

تأکید بر فردی کردن مجازات و تناسب با شخصیت مجرم، دنبال شده است. بدین معنا که دادگاه بتواند با در نظر گرفتن شرایط و وضعیت فردی و اجتماعی و همچنین شرایط و بستری که جرم در آن صورت می‌گیرد، این اختیار را به قانون‌گذار می‌دهد که در تعیین مجازات و تنبیه بزهکار تعجیل ننماید (همان، ۴۸). بنابراین اولین قدم برای در نظر گرفتن شرایط مجرم و تلاش برای نجات وی از مسیر بزهکارانه‌ای که در پیش گرفته است، برداشته شد. در این اقدام جدید، قانون‌گذار به دنبال ایجاد شرایطی است که هم بتوان مجرم و یا بزهکار را نسبت به عمل مجرمانه آگاه نمود و هم زمینه را برای بازگشت مؤثر وی به دامن خانواده و اجتماع فراهم نماید.

۵-۱-۲. تورم زدایی کیفری

یکی از معضلات نظام قضایی ایران، تورم پرونده‌های کیفری می‌باشد. تورم پرونده‌های کیفری، آثار و نتایج منفی بی‌شماری را به همراه خواهد داشت. پرونده‌های بی‌شماری در دادگستری مطرح گردیده که همین امر رسیدگی دقیق و سریع به پرونده‌ها را سلب نموده است. در حالی که تعداد اندک پرونده‌ها در کشورهای دیگر موجب می‌شود که قضات با فکری آزاد به تصمیم‌گیری پیرامون پرونده‌ها بپردازند. برخی از شواهد نشان‌دهنده آن است که در نظام قضایی ایران فقط دادیار دادسرا هر ماه به حدود ۲۰۰ پرونده رسیدگی می‌نماید (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۶، ۹). در چنین شرایطی، نظام عدالت کیفری قادر به

سیاست‌های جدید نیازمند آن بود تا بتواند ضمن حفظ نظم و امنیت در جامعه، از تعداد زندانیان بکاهد و راهکار مؤثری برای اجرای احکام نیز ارائه نماید. در اینجا ابتدا به مبانی تعویق صدور حکم پرداخته می‌شود:

۵-۱-۱. فردی ساختن کیفر

منظور از اصل فردی بودن مجازات این است که در کنار رعایت اصل قانونی بودن و شخصی بودن مجازات‌ها، مقام قضایی بتواند با رعایت اوضاع و احوال شخصی، اجتماعی و روانی بزه‌کار، مجازات متناسب را تعیین نماید. وجود حداقل و حداکثر در اعمال مجازات، مقررات ناظر بر عفو، تعلیق مجازات، اعمال کیفیات مخففه و مشدده و اختیار مقام قضایی در کاهش یا افزایش مجازات از مهم‌ترین مصادیق اصل فردی ساختن مجازات می‌باشند. تأثیرپذیری شخصیت انسان از عوامل مختلف زیستی، روانی و محیطی که منجر به ایجاد تفاوت در شخصیت انسان‌ها با یکدیگر می‌گردد، ضرورت رعایت عدالت در تعیین مجازات‌ها و ضرورت اصلاح بزه‌کار از مهم‌ترین مؤلفه‌های اصل فردی ساختن کیفر می‌باشد (گلی، ۱۳۹۴، ۴۸). درباره ارتباط فردی کردن مجازات هدف اصلی مطابقت دادن مجازات با شخصیت و خصوصیات فردی بزهکار است. این ارتباط و سازگاری به این دلیل است که بتوان نسبت به اصلاح بزهکار و کاهش پدیده مجرمانه اقدام نمود. بر همین اساس، نهاد تعویق صدور حکم از جمله ابزارهای مؤثری است که در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، و به دنبال

تأمین حداقل اجرای که برای هر نظام حقوقی مبتنی بر اصل قانونی بودن ضروری است، نمی‌باشد. به منظور پرهیز از بروز تورم پرونده‌های کیفری در تقارن با پیش‌بینی نهادهای فردی ساختن کیفری در قانون مجازات اسلامی، قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات ۱۳۹۴/۳/۲۴ نهادهای ترک تعقیب، بایگانی پرونده و تعلیق تعقیب را ایجاد نموده که منتهی به کاهش تورم کیفری و در نتیجه تحقق قضازدایی کیفری خواهد شد.

۵-۱-۳. مبانی جرم‌شناختی

یکی از مهم‌ترین مبانی نهاد تعویق صدور حکم، مبنای جرم‌شناختی است به نحوی که نهاد مذکور از دل تحولات عرصه‌های مختلف جرم‌شناختی بیرون آمده است. مبانی اولیه برای بهره‌گیری از نهاد تعویق صدور حکم، جرم‌شناسی کنش متقابل است که به فرایند شکل‌گیری هویت اجتماعی بزهکار توجه نشان می‌دهد و این ایده را مطرح می‌کنند که اجرای حکم در هر صورت باعث برچسب‌زنی به مجرم و بزهکار می‌شود. با اعطای برچسب بزهکاری به فرد مجرم و بزهکار، فشارهای اجتماعی و خانوادگی برای تغییر و اصلاح رفتارهای وی دشوار شده و با القای برچسب بزهکار، ممکن است وی به سمت رفتارهای بزهکارانه دیگر نیز سوق داده شود. بنابراین با اجرای حکم در هر شرایطی می‌بایست منتظر رفتارهای بزهکارانه دیگری نیز از سوی مجرم بود. بدین ترتیب با تعویق صدور حکم راهی گشوده می‌شود که تصویر آشفته

اجتماعی از فرد بزهکار اصلاح شده و وی نیز متقابلاً باید اثبات نماید که قضاوت دیگران درباره وی صادق نیست (اردبیلی، ۱۳۹۳، ۲۰۶). بنابراین در مسأله تعویق صدور حکم، تلاش و کوشش مجرم برای جبران فرصت از دست رفته و حتی بازگشت به زندگی عادی یک اصل است. بدین ترتیب که وی از فرصت اعطا شده توسط دادگاه بهره می‌برد و درصدد اصلاح و پاک‌سازی گذشته اقدام می‌نماید. نکته مهم در این زمینه، جلوگیری از سوق داده شدن فرد بزهکار به سمت اعمال بزهکارانه دیگر است.

۵-۱-۴. نظریه برچسب‌زنی

نظریه برچسب‌زنی بیش از هر چیز در کتاب «جرم و اجتماع» تألیف فرانک ناتن بام مورد توجه قرار گرفته است. به باور وی، وقتی که فردی به عنوان بزه‌کار دستگیر و تحت تعقیب نظام عدالت کیفری قرار می‌گیرد، در نزد اعضای جامعه به عنوان فردی مجرم و بزهکار شناخته شده و این رویه باعث می‌شود تا جامعه و محیط افراد نگرش خاصی نسبت به وی داشته باشند. به پیروی از همین دیدگاه، هوارد بکر در سال ۱۹۶۳ م، درصدد اصلاح نظریه برچسب‌زنی برآمد و چنین بیان کرد که نباید در این دیدگاه، برچسب‌زنی را به عنوان عامل جرم در نظر گرفت. بدین ترتیب، وی جرم‌شناسی موجود را به دلیل خرد‌نگری و غفلت از نقش حقوقی کیفری و نهادهای کنترل جرم مورد انتقاد قرار داد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰، ۲۷۶). بنابراین تلاش‌های کیفری بر این مسأله تأکید نمودند که

برای جلوگیری از برچسب‌زنی به مجرمان و رعایت حقوق آنان حتی در زمانی که به عنوان بزهکار شناخته می‌شوند، حائز اهمیت است. جلوگیری از برچسب‌زنی نقش مهمی در به کارگیری روش‌های جدید داشته است که از جمله می‌توان به تعویق صدور حکم اشاره نمود.

۵-۱-۵. نظریه باز اصلاح‌پذیری

توجه به اصلاح مجرمان برای اولین بار از طرف طرفداران نظریه مکتب تحقیقی مورد توجه قرار گرفت و این نظریه بیش از پیش رویکرد بزهکارمدار در پیش گرفته بود (دانش، ۱۳۹۱، ۳۸۷). طرفداران این نظریه بر این باور هستند که نظام عدالت کیفری همانند یک بیمارستان و درمانگاه است که جرم و یا بزه صورت گرفته شبیه به بیماری است و فرد بزهکار نیز بیمار محسوب می‌شود. از طرفی دیگر، دست‌اندرکاران عدالت کیفری نیز همانند پزشک یا پیراپزشک می‌باشند. بر مبنای همین طرز تلقی، اصلاح مجرمان و بازاصلاح‌پذیری آنان با نگرشی بالینی و پزشکی مورد توجه است که البته با ظهور جنبش دفاع اجتماعی نوین، اصلاح‌پذیری مجرمان و بهره‌گیری از دانش پزشکی و بالینی نیز مورد توجه قرار گرفت. در هر صورت از منظر طرفداران این رویکرد، فرایند اصلاح‌پذیری مجرمان در واقع به معنای بهره‌گیری از اقداماتی از سوی نظام عدالت کیفری است که بر بهبود شخصیت و اصلاح رفتار مجرمان و بازسازی شخصیت آنان تمرکز می‌کند (نیازپور، ۱۳۹۵، ۱۱۲). از این منظر ارتباطی میان نظریه مطرح شده

و نهاد تعویق صدور حکم پدید می‌آید. بدین معنا که تعویق صدور حکم از منظر اعطای فرصت به بزهکاران باعث اصلاح رفتارهای مجرمان و تلاش برای بهبود رفتارهای آنان در مدت زمان معین می‌شود. این پیش‌فرض الزاماً به معنای تحقق آن نیست، بلکه قانون‌گذار با خوش‌بینی در تلاش است تا زمینه را برای اصلاح رفتار مجرمان و بزهکاران فراهم آورد. به همین دلیل است که قانون‌گذار هدف اصلی خود را اصلاح و درمان بزهکار و تقویت کارآمدی نظام عدالت کیفری در زمینه بازپذیری بزهکاران و مجرمان می‌داند. بنابراین تعویق صدور حکم زمانی از کارآیی برخوردار است که مقام قضایی با بررسی پرونده شخصیت بزه‌کاران و کنکاش در ابعاد مختلف وضعیت فردی، خانوادگی، شغلی و اجتماعی مجرم، با متوقف ساختن فرایند کیفر، به دنبال اصلاح و بازپذیری بزهکار برمی‌آید (نوربها، ۱۳۹۶، ۱۹۶). یکی از مبانی اصلی در دفاع از «تعویق صدور حکم»، اجرای درست و دقیق این رویکرد نوین حقوقی است. زیرا در صورت عدم اجرای صحیح آن، آثار نامطلوبی در پی خواهد داشت. در همین راستا، در ماده ۵۴ ق.م.ا آمده است: «هرگاه محکوم از تاریخ صدور قرار تا پایان مدت تعلیق، مرتکب یکی از جرائم عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت شود... دادگاه قرار تعلیق را لغو می‌نماید». آنچه از مفاد این ماده برمی‌آید این است که جرایم غیرعمد موجب دیه از شمول این قاعده بیرون هستند و در صورت ارتکاب افراد به جرایم تعزیری تا درجه هفت، همچنان مشمول قانون تعویق صدور حکم

خواهند شد. این مسأله نیز نشانگر تساهل قانون گذار است.

۵-۲. آثار تعویق صدور حکم

به کارگیری تعویق صدور حکم دارای آثار و نتایجی است، که به طور مشخص زندگی فردی و اجتماعی افراد از جمله متهم را تحت تأثیر قرار می دهد. بنابراین می توان آثار تعویق صدور حکم را در دو بُعد فردی و اجتماعی مورد بررسی قرار داد. به طور عملی نیز در توضیح تعویق صدور حکم باید گفت که دادگاه پس از صدور قرار تعویق صدور حکم، چنانچه متهم در بازداشت باشد، در نخستین اقدام خود بی درنگ دستور آزادی او را صادر می کند. علت این بازداشت ممکن است عجز از معرفی کفیل یا وثیقه و یا قرار بازداشت موقت باشد. دادگاه می تواند در تضمین این دستور، تأمین مناسبی که به بازداشت مرتکب منتهی نشود اخذ کند (اردبیلی، ۱۳۹۳، ۲۱۴). آثار و نتایج تعویق صدور حکم را می توان ناظر بر فرد و اجتماع دانست به نحوی که نتایج فردی تعویق در درجه نخست بر روی شخص بزه کار و سپس بر روی بزه دیده تأثیر مستقیم دارد. در ابتدا به آثار و نتایج فردی تعویق صدور حکم پرداخته می شود:

۵-۲-۱. آثار و نتایج فردی

نخستین اثر قرار تعویق صدور حکم این است که چنانچه متهم در زندان باشد، بلافاصله از زندان آزاد می شود و پس از گذشت مدت تعیین شده از سوی قاضی دادگاه، یعنی شش ماه تا دو سال، چنانچه

حکم به معافیت از مجازات مرتکب صادر گردید، هیچ گونه محکومیتی در پرونده کیفری متهم ثبت نشده و به مثابه این است که وی هیچ گاه مرتکب جرم نگردیده است. پس از گذشت مدت تعویق، دادگاه با تشکیل جلسه رسیدگی و با اطمینان از این که مرتکب به جرم جدیدی که به لغو قرار تعویق منتهی گردد متهم نیست و با توجه به میزان پایبندی مرتکب به اجرای دستورات دادگاه، و برحسب گزارش هایی که از سوی مددکاران اجتماعی و مشاهده وضعیت مجرم و بزه کار صورت می گیرد، دادگاه نسبت به صدور حکم معافیت از مجازات موافقت کرده و مجازات متناسبی نیز برای مرتکب در نظر می گیرد. پس از این مشاهدات، دادگاه باید دلایل احکام صادره اعم از محکومیت و یا تعویق صدور حکم را اعلام نماید که البته این احکام بر مبنای مقررات آیین دادرسی قابل تجدیدنظر نیز می باشد (همان، ۲۱۵).

۵-۲-۱-۱. آثار و نتایج بزه کارمدار

فرایند بزه کارمدار نظیر سایر مواردی که در ارتباط با اصلاح مجرم مطرح می شود، نباید توأم با ایجاد ضرر و زیان برای افراد جامعه و خود مجرم گردد. در هر صورت کاربست این رویکرد می تواند تبعاتی در پی داشته باشد.

۵-۲-۱-۲. تأخیر در اجرای مجازات

تعویق صدور حکم به معنای به تأخیر انداختن صدور حکم است. توضیح اینکه قانون گذار درباره برخی از جرائم با وجود ملاحظاتی به دادگاه اجازه

نهاد تعویق صدور حکم خارج می‌باشند؛ هرچند دادگاه بنا بر ملاحظات و با رعایت کیفیات مخففه مجازات مجرم را تقلیل داده باشد.

۵-۲-۱-۳. معافیت از اجرای مجازات

نتیجه منطقی استفاده از نهاد تعویق در بسیاری از موارد صدور حکم عدم اجرای مجازات می‌باشد. ماده ۴۵ قانون مجازات اسلامی مقرر نموده است؛ «پس از گذشت مدت تعویق با توجه به میزان پایبندی مرتکب به اجرای دستورهای دادگاه، گزارش‌های مددکار اجتماعی و نیز ملاحظه وضعیت مرتکب، دادگاه حسب مورد به تعیین کیفر یا صدور حکم معافیت از کیفر اقدام می‌کند». با توجه رعایت این موارد، معافیت مورد نظر قانون‌گذار از نوع معافیت قضایی است، به نحوی که اثر معافیت قضایی زوال مجازات بوده و هیچ‌گونه اثر تبعی بر آن مترتب نیست (اردبیلی، ۱۳۹۳، ۱۳۷). دادگاه با در نظر گرفتن شرایط فردی و اجتماعی و البته شرایطی که جرم در آن رخ می‌دهد، این اختیار را دارد که در صدور حکم و تعیین کیفر، تعجیل نکند (توجهی و کوره‌پز، ۱۳۹۱، ۹۸). و به دنبال تطبیق هرچه بیشتر مجازات با شخصیت مجرم باشد. در این صورت است که معافیت از اجرای مجازات به شیوه‌ای که قاضی تشخیص می‌دهد، به مرحله اجرا درمی‌آید.

۵-۳. آثار و نتایج بزه‌دیده‌مدار

پیش‌بینی سازوکارهای عدالت ترمیمی و گسترش کیفرزدایی در راستای استیفای حقوق شهروندی،

می‌دهد که حکم را به تعویق بیندازد. در قبال تعویق صدور حکم از سوی دادگاه، وی می‌تواند ضمانت حسن رفتار را از سوی بزهکار و مجرم مطالبه نماید. زیرا یکی از شروط اساسی در تعویق صدور حکم، پذیرش جرم و مشاهده تلاش مجرم برای اصلاح رفتار است. بنابراین با تعیین بازه زمانی، چنانچه رفتار مجرم، در راستای اصلاح بوده، قاضی از صدور حکم صرف‌نظر می‌کند. اما در صورتی که قصوری از سوی مجرم و بزهکار مشاهده شد، قاضی نسبت به اجرای رأی صادر شده اقدام می‌کند (ساولانی، ۱۳۹۳، ۳۸۹). بنابراین تعویق صدور حکم، فرایندی دوطرفه و با در نظر گرفتن رفتارهای مجرم پس از صدور رأی است. در این حالت، دادگاه حکم به معلق شدن رأی پس از پایان رسیدگی می‌دهد (شمس ناتری و همکاران، ۱۳۹۲، ۱۳۵). این رویه برای کسانی که زندان رفتن و یا حتی صدور رأی را به منزله نابودی زندگی خود تلقی می‌کنند و ممکن است تبعات اجتماعی صدور رأی برای آنان دشوار باشد، از اهمیت خاصی برخوردار است. مهم‌ترین و اصلی‌ترین اثر تعویق صدور حکم، جلوگیری از اجرای حکم محکومیت به مجازات است؛ خواه مجازات تعیین شده حبس و خواه جزای نقدی باشد؛ هر چند با توجه به حکم مندرج در ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تعویق صدور حکم برای جرائم تعزیری درجه شش تا هشت قابل اجرا می‌باشد و بدون تردید چنانچه جرم ارتكابی از درجه‌ای باشد که مجازات آن بر طبق قانون اعدام و یا حبس دائم باشد، مجازات‌های در نظر گرفته شده از شمول

بزهکار و بزه‌دیده می‌تواند آثار مهم اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی برای جامعه و نظام عدالت کیفری به همراه داشته باشد. تقویت جایگاه بزه‌دیده در مقررات تعویق صدور حکم به وضوح قابل ملاحظه می‌باشد (رائیجیان اصل، ۱۳۸۷، ۱۰). بدین معنا که هدف اصلی این نهاد نیز کمک رساندن به مجرمان و بزه‌دیدگان در شرایط خاص است که بتواند شرای را برای اصلاح و بازپروری آنان و جلوگیری از برجسب‌زنی فراهم نماید.

۵-۳-۱. خسارت‌زدایی از بزه‌دیدگان

یکی از ضروریات زندگی اجتماعی این است که هیچکس ضرر و زبانی را به دیگری وارد نکند و در صورت ورود ضرر آن را جبران کند. محدوده ورود ضرر نیز امروزه صرفاً جسم و جان انسان و یا تمامیت جسمانی افراد نیست بلکه افکار، عواطف، روان و علقه‌های معنوی افراد نیز ممکن است مورد تعرض و آسیب قرار گیرد. حمایت از بزه‌دیدگان جرم و تسکین آلام جسمی، روحی، روانی و عاطفی آنان از مبانی ارزشی و اجتماعی مختلفی برخوردار است و موجب می‌شود که بزه‌دیده شخصیت از دست رفته خویش را بازیافته و از بزه‌دیدگی مجدد دور شود. خسارت‌زدایی از بزه‌دیده یکی از شرایط تعویق صدور حکم می‌باشد؛ به نحوی که بند پ از ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ «جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران» آن را یکی از شرایط تعویق صدور حکم دانسته است. جبران خسارت وارده بر بزه‌دیده اعم از مادی، معنوی و یا اعاده وضعیت به حال سابق ممکن است

با نوعی مصالحه و توافق بین زیان‌دیده و زیان‌رساننده بدون مراجعه به دادگاه صالح صورت گرفته و یا پس از مراجعه به دادگاه و به موجب حکم دادگاه تحقق یابد (فتحعلی‌پور، ۱۳۸۹، ۳۴۵). در هر صورت، جبران خسارت از جمله آثار ناشی از تعویق صدور حکم است که هم از حیث مادی و هم از حیث معنوی می‌تواند راهی برای بازیابی حقوق افراد باشد.

۵-۳-۲. جنبه‌های حمایت‌گرایانه

در سال ۱۹۷۰ جرم‌شناسان، بزه‌دیدگان را به عنوان بخش فراموش شده نظام عدالت کیفری کشف نموده و اقدامات حمایتی را انجام دادند که این اقدامات منتهی به ورود بزه‌دیده به فرآیند عدالت کیفری گردید. تئوری عدالت صرفاً در محدوده عدالت ترمیمی به کار گرفته می‌شد که با اقدامات و تمهیدات صورت گرفته، عدالت بیشتر از آن که بر روی مجازات مجرم یا بزهکار متمرکز باشد، دائر مدار بزه‌دیده قرار گرفته است. در بزه‌دیده‌شناسی حمایتی که قرائت ایدئولوژیک از بزه‌دیده‌شناسی است، صرف‌نظر از اینکه مجنی‌علیه در ارتکاب جرم سهم داشته یا خیر، در واقع متضرر شده و جامعه باید از او حمایت کند. حمایت از بزه‌دیده در دوره بزه‌دیده‌مداری که سومین دوره از دوران سیر تکامل حقوق جزا است، شکل گرفته است. در ابتدا این تفکر ایجاد و نُضج گرفته بود که قربانی مستقیم جرم که تا پیش از این زیان‌دیده، بی‌گناه و مستحق حمایت تلقی می‌شد، می‌تواند با کارکرد اجتماعی و نیز با نوع رفتار خود با دیگران، الهام‌بخش اندیشه

نظر گیرد. این امر در رویکرد مجازات اسلامی مورد توجه است. از جمله اینکه قاضی می‌تواند به مقتضای زمان و مکان، نوع گناه و مرتکب شوند، تفاوت قائل شود (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶، ۲، ۵۳۲). بدیهی است تفاوت قائل شدن به معنای تبعیض و بی‌عدالتی نیست، بلکه به معنای درک شرایط زمانی و مکانی و عوامل مؤثر بر وقوع جرم و همچنین در نظر گرفتن ملاحظات ناشی از صدور رأی برای افراد مختلف است.

۵-۴-۱. حفظ حقوق شهروندی

نتیجه منطقی که از اجرای نهاد تعویق صدور حکم به دست خواهد آمد، کیفرزدایی است که این امر خود یکی از مهم‌ترین جلوه‌های حقوق شهروندی می‌باشد. منظور از کیفرزدایی فرآیندی است که مسیر رسیدگی‌های قضایی به گونه‌ای مدیریت شود که در نهایت، منجر به محکومیت کیفری و اعمال مجازات نشود. در این یافتار، کیفرزدایی به طور تقریبی به معنای قضا‌زدایی خواهد بود به صورتی که در برخی از آثار، کیفرزدایی اعم از قضا‌زدایی و تعقیب‌زدایی در نظر گرفته شده است (صادقی، ۱۳۹۷، ۳۵). با صدور حکم به تعویق و از این منظر به طور غیرمستقیم از اعمال کیفر اجتناب می‌شود. همچنین، در فرایند دادرسی، رعایت اصول کرامت انسانی و انجام اقدامات تأمینی و تربیتی حائز اهمیت است (آخوندی، ۱۳۸۷، ۱۰۶). از این جهت، تعویق صدور حکم، همسو با رعایت حقوق شهروندان از حیث مادی و معنوی است. محکومان همانند سایر انسان‌ها دارای حقوقی هستند و نهاد

مجرمانه باشد و ارتکاب جرم را سبب شود. با این حال، اندیشه‌های مدرن بدین سمت سوق نمود که هر چند ممکن است بزه‌دیده در وقوع جرم سهمی جزئی یا کلی داشته باشد، اما هم‌اکنون به دلیل خسارت وارده بر خود مستحق حمایت است (قلی‌پور جمنانی و احسان‌پور، ۱۳۹۹، ۱). این در واقع به معنای نادیده گرفتن عمل بزهکارانه نیست، بلکه نوعی سیاست حمایتی برای بهبود شرایط کلی جامعه و تلاش برای احیای مجرمان از طریق سیاست‌های حمایتی است.

۵-۴. آثار و نتایج اجتماعی

اجرای کامل و توأم با موفقیت تعویق صدور حکم آثار و نتایج اجتماعی را به همراه خواهد داشت که از یک‌سو این آثار بر روی اجتماع تأثیر مستقیم خواهد داشت که در نهایت منتهی به حفظ حقوق شهروندان جامعه و همبستگی اجتماعی گردیده و از سوی دیگر نظام عدالت کیفری را متأثر خواهد ساخت که تحقق امنیت قضایی و مسئولیت‌پذیری دولت دو اثر مهم از آثار عدالت محور اجرای تعویق صدور حکم می‌باشد. مطالعه انسان به عنوان اصلی‌ترین موضوع حقوق کیفری و جرم‌شناسی، امر مغفول و نادیده انگاشته شده‌ای است که بدون مطالعه آن، هرگونه سیاست کیفری سخت‌گیرانه یا ساده‌انگارانه لزوماً باعث تحقق هدف نخواهد شد (طاهری، ۱۳۹۲، ۱۳). اما آنچه روشن است در نظر گرفتن شرایط خاص برای هر جرم است که می‌تواند میان جرایم (حتی در صورت وحدت موضوع)، تفاوت قائل شود و مجازات متفاوتی در

تعویق صدور حکم می‌تواند فرصتی برای بازبایی مجدد آنان و بازگشت به عرصه زندگی باشد.

۵-۴-۲. همبستگی اجتماعی

نهاد تعویق صدور حکم برگرفته از ایدئولوژی بازپذیری بوده که مورد قبول مکتب نفوکلاسیک، دفاع اجتماعی نوین و طرفداران سیاست جنایی مشارکتی است که بیشتر همبستگی را می‌طلبد تا دل‌نگرانی شهروند در مقابل جرم. این سیاست جنایی که به حق امنیت شهروندان احترام می‌گذارد، بر این اعتقاد استوار است که امنیت بیشتر تنها از ترکیب و اتحاد عالمانه پیش‌گیری، ضمانت اجرا (مجازات) و بازپذیری (بزهکار) به وجود خواهد آمد. سیاست جنایی در چنین دورنمایی، نه تنها بر مراجعی که رسماً پیش‌گیرانه و سرکوب‌گرانه‌اند، بلکه بر مشارکت همگان نیز باید تکیه کند (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۹۰، ۶۷). بدین معنا که با رعایت حقوق افراد حتی مجرمانی که به دلایل مختلف اقدام به اعمال بزهکارانه می‌نمایند، به نحوی باشد که بتواند از ایجاد شکاف و دشمنی در میان مردم جلوگیری نماید.

۵-۵. آثار و نتایج عدالت‌محور

تعویق صدور حکم واجد آثار و نتایج وارده بر نظام عدالت کیفری می‌باشد که این آثار و نتایج را می‌توان در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مشاهده نمود. در این رویه استدلال می‌شود که تعویق صدور حکم می‌تواند موافق حقوق اجتماعی افراد باشد. بدین معنا که محروم کردن افراد از

برخی حقوق اجتماعی، نوعی محرومیت قانونی تلقی شده که امکان دستیابی شخص مجرم و بزهکار نیز از این حقوق سلب می‌شود. این رویکرد در قاعده ۸۰۲ از مجموعه قواعد سازمان ملل متحد نیز قابل مشاهده است که عقیده بر این است بهره‌گیری از مجازات اجتماعی جایگزین می‌تواند مفید و مثمر باشد (خالقی، ۱۳۸۹، ۲۱۴). در هر صورت، تعویق صدور حکم دارای آثار و نتایجی است که از حیث ارتباط داشتن با عدالت می‌تواند قابل توجه باشد.

۵-۵-۱. تحقق امنیت قضایی

قانون اساسی در اصل سوم (بند ۱۴) دولت (به معنای کلیت آن به عنوان هیأت حاکمه) را موظف نموده است برای نیل به اهداف عالی خود که در اصل دوم به تفصیل بیان کرده است، همه امکانات خود را برای تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون به کار گیرد. اما هنگامی که رویکرد غالب و حاکم در نزد سیاست‌گذاران درصدد توجیه قدرت، زور و ارباب و کاربرد حداکثری آن در امور کیفری باشد، نوعی رویه ارباب برانگیز به اذهان متبادر می‌شود. رویه ارباب برانگیز ممکن است بر سایر بخش‌های جامعه نیز حاکم شده و به کاربرد عریان و حداکثری زور عریان در نزد افکار عمومی بدل گردد. رویه مقابل این است که به دنبال حاکم کردن قرائتی مبتنی بر حقوق و آزادی‌های شهروندان و به رسمیت شناختن حق بر حاکمیت شخصی باشیم. بدین

۶. نتیجه

اصلاح‌پذیر مجرمان، مسئولیت‌پذیر کردن دولت، فراهم کردن شرایطی برای محقق شدن حقوق از دست رفته بزهکاران و مجرمان، تلاش برای حاکم نمودن خیر عمومی برای بهره‌مندی همگان از حقوق شهروندی و اجتماعی، جلوگیری از برچسب‌زنی به مجرمان، کاستن از هزینه‌های دادرسی برای مجرمان و خانواده‌های آنان، جلوگیری از افزایش مضاعف هزینه‌های ناشی از نگهداری از بزهکاران و مجرمان برای دولت از جمله مزایایی است که در رویکرد تعویق صدور حکم دیده می‌شود. اما اصل اساسی در این رویکرد آن است که بزهکار، جرم خود را پذیرفته و دادگاه نیز الزامات ناشی از اصلاح رفتار وی را زیر نظر داشته باشد. زیرا در صورت بی‌توجهی نسبت به اصلاح رفتارها، نوعی بی‌عدالتی کیفری در جامعه حاکم می‌شود و ممکن است نوعی رهاسازی مجرمان نیز به ذهن خطور نماید. غفلت از توجه به اصلاح رفتار فرد مجرم و فراهم ساختن شرایط برای استفاده از تعویق صدور حکم می‌تواند اقدامات ناگواری همچون ارتکاب مجدد جرم از سوی مجرم و بزهکار را دار پی داشته باشد.

نظام قانون‌گذاری ایران با هدف اعمال کیفرزدایی بزهکارمدار نهاد تعویق صدور حکم را تأسیس نموده است. به نحوی که در مواد ۴۱ تا ۴۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به دو شکل تعویق ساده و مراقبتی تبلور یافته که در هر دو شکل، نتیجه‌ای که به دست می‌آید، عدم اجرای حکم محکومیت کیفری و یا همان کیفرزدایی می‌باشد.

معنا که به دنبال استفاده از ابزارهای غیرکیفری در مدیریت انحرافات و جرائم باشیم (غلامی، ۱۳۹۶، ۱۷). تعویق صدور حکم، رویه‌ای برای حمایت از اصلاح افراد مجرم در مرحله پس از تعیین مجازات و صدور رأی است که در آن، با ملاحظه شرایط فردی مجرم و تبعات اجتماعی اعمال مجازات، شرایطی مهیا می‌شود تا وی نسبت به رفتارهای خود آگاه و از ادامه این مسیر صرف‌نظر نماید.

۵-۲. مسئولیت‌پذیری دولت

مسئولیت یکی از پایه‌های اساسی دموکراسی به شمار می‌رود که به موجب آن کلیه قوای عمومی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم منتخب مردم‌اند و بدین وسیله سند اختیارات خود را از آنان گرفته‌اند و بنابراین باید پاسخگوی شهروندان و نمایندگان آنها باشند (هاشمی، ۱۳۸۳، ۲۱۰). سیاست کیفری ناظر اگر با هدف اصلاح مجرمان و بازاصلاح‌پذیری آنان براس دستیابی به حقوق از دست رفته شهروندی باشد، نشانگر مسئولیت‌پذیری دولت است. این موضوع می‌تواند در دولت دموکراتیک به عنوان هدفی مهم در نظر گرفته شد که به دنبال برقراری خیر عمومی برای همگان است. به نظر می‌رسد یکی از راهکارهای تحقق خیر عمومی، مسئولیت‌پذیر بودن دولت در مسأله اصلاح مجرمان از طریق روش تعویق صدور حکم است. از این جهت کاربست تعویق صدور به منزله مسئولیت‌پذیر شدن دولت در جهت کاهش پرونده‌های قضایی و جلوگیری از برچسب‌زنی به مجرمان به عنوان شهروندان است.

منظور از کیفرزدایی فرایندی است که مسیر رسیدگی‌های قضایی به گونه‌ای مدیریت شود که در نهایت منجر به محکومیت کیفری و اعمال مجازات نشود. تعویق صدور حکم از جمله نهادهایی است که به طور ویژه امکان نادیده گرفتن آزمایشی مجازات را فراهم می‌آورد و در مرز میان معافیت از کیفر و تعلیق اجرای مجازات قرار می‌گیرد. تعویق صدور حکم از جلوه‌های نوین کیفرزدایی و فردی کردن پاسخ به پدیده بزهکاری است. اجرای اصولی نهاد تعویق صدور حکم، پایبندی نظام عدالت کیفری به اصل حداقل بودن حقوق جزا می‌باشد. زیرا التزام به اصل حداقل بودن حقوق کیفری نه تنها موجبات استفاده بهینه از حقوق کیفری در جایگاه مناسب آن را میسر می‌سازد، بلکه در عین حال زمینه توجه سیاست‌گذار جنایی به استفاده از سایر ابزارها و نهادهای حقوقی-اجتماعی را نیز فراهم می‌نماید.

۷. سهم نویسندگان

نگارش مقاله حاضر حاصل همکاری و تلاش جمعی نویسندگان بوده است.

۸. تضاد منافع

در مقاله حاضر تضاد منافی وجود ندارد.

منابع

- غلامی، حسین، صل حداقل بودن حقوق جزا، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۶.
- فتحعلی پور، عطاءالله، مسئولیت جزایی و مدنی ناشی از امور مختلف، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۹.
- قلی پور جمنانی، فرامرز، احسان پور، رضا، «مبانی هنجاری خسارت‌زدایی جمعی از بزه‌دیدگان جرائم»، مجله اخلاق زیستی، دوره دهم، شماره سی و پنج، ۱۳۹۹.
- گلی، علی، بررسی نهاد تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات در قانون مجازات اسلامی، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، ۱۳۹۴.
- معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، نشر زرین، ۱۳۸۲.
- منصورآبادی، عباس، مختصر حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۹.
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین، درآمدی بر سیاست جنایی، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۰.
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین، مجازات جامعه-مدار در لایحه قانون مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان؛ مجموعه مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۶.
- نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۶.
- آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۷.
- اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۳.
- توجهی، عبدالعی، کوره‌پز، حسین محمد، «درآمدی بر نهاد تعویق صدور حکم در حقوق ایران، آلمان و فرانسه»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دوره پنجم، ۱۳۹۱.
- خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات شهر دانش، ۱۳۸۹.
- دانش، تاج‌زمان، مجرم کیست؟ جرم‌شناسی چیست؟، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۹۱.
- رائیجیان اصل، مهرداد، بزه‌دیده در فرآیند کیفری با دیباچه دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران، انتشارات خط سوم، ۱۳۸۷.
- ساولانی، اسماعیل، حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات موسسه مشاهیر مهر دادآفرین، ۱۳۹۳.
- شمس ناتری، محمدابراهیم، کلانتری، حمیدرضا، زارع، ابراهیم، ریاضت، زینب، نقش قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۲.
- صادقی، ولی الله، کیفرزدایی در ایران، نظریه و رویه، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۷.
- طاهری، سمانه، سیاست کیفری سخت‌گیرانه، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۲.

دایره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت،
۱۴۲۶.

منابع لاتین

- Sim, J. FitzgralD, M. British Prisons, 2nd edition, Oxford, Blackwell, 1982.
- Wasik, M. Deferent of sentence, an appraisal ten years on, British journal of criminology, vol. 23, no 4, 1983.

- نیازپور، امیرحسین، توافقی شدن آیین دادرسی
کیفری، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۵.

- هاشمی، محمد، حقوق بشر و مفاهیم مساوات،
انصاف و عدالت، تهران، انتشارات دانشکده حقوق و
علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.

- هاشمی شاهرودی، سید محمود، فرهنگ فقه
مطابق مذهب اهل بیت، جلد دوم، قم، مؤسسه

